یادداشت روز

مردم سوریه قیمومیت ترکیه را نمی‌پذیرند

دولت ترکیه از سال ۱۳۹۰/ ۲۰۱۱ که بحران امنیتی سوریه شروع شد تا امروز در این کشور نقش اساسی و منحصر به فرد ایفا کرده است و به نظر می‌آید این نقش امنیتی تا سال‌های آینده استمرار داشته باشد. دولت ترکیه در این دوره ۱۵ ساله علاوه‌بر حمایت نظامی، اطلاعاتی، امنیتی، سیاسی و مالی از همه گروه‌های نظامی مخالف دولت سابق سوریه، بخش زیادی از شمال این کشور را به اشغال نظامی خود درآورده و اخیراً بر حجم آن افزوده است. ترکیه از سال ۱۳۹۳ ـ دو سال پس از آغاز بحران امنیتی سوریه ـ به بهانه مقابله با تهدیدات گروه‌های مسلح کردی علیه ترکیه در حالی که توانایی تهدید این کشور را نداشتند، به خاک سوریه تجاوز کرد و حاکمیت این کشور را زیر پا گذاشت. این در حالی بود که سوریه و ایران بارها به اطلاع مقامات آنکارا رسانده بودند که عدم تعرض گروه‌های مسلح کردی به خاک ترکیه را تضمین می‌کنند. کمااینکه در طول این ۱۵ سال هیچ گزارشی مبنی بر تعرض کردهای سوریه به خاک ترکیه و حتی شلیک یک تیر به سمت آن منتشر نشده است. پس کاملاً پیداست که دولت ترکیه از آشوب‌های سوریه برای در دست گرفتن بخش‌هایی از سرزمین آن استفاده کرده است. گزارش‌ها بیانگر آن است که ارتش ترکیه در مناطق تحت اشغال خود در سوریه اقدام به راه‌اندازی دوره‌های آموزش زبان ترکی و جایگزین کردن لیر خود به جای پول رسمی سوریه کرده که از نیات ترکیه در اشغال دائمی سرزمین‌های سوریه و الحاق آن به ترکیه خبر می‌دهد.

براساس اسناد و مدارک فراوانی که از حمایت گسترده و طولانی دولت ترکیه از گروه‌های شبه‌نظامی معارض دولت سوریه حکایت می‌کند و شامل حمایت همه‌جانبه از «جیش‌الحر»، «داعش»، «النصره» و در سال‌های اخیر از تحریرالشام و احرارالشام می‌شود، این دولت در همه جنایاتی که طی ۱۵ سال اخیر علیه مردم سوریه اتفاق افتاده، سهم اساسی دارد. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه در طول این ۱۵ سال حتی حمایت رسمی از تروریست‌ها را مخفی نکرده و در مواقع مختلف از جمله در جریان برگزاری نشست‌های آستانه که از بهمن ماه ۱۳۹۵ شروع شد، به‌طور رسمی نمایندگی جریانات مسلح سوریه را به‌عهده داشته است.

پس از آنکه دولت سوریه به همراه دوستان منطقه‌ای خود توانست بر تروریسم غلبه کرده و اکثر مناطق تحت اشغال تروریست‌ها را آزاد کند و در دهم دی ماه ۱۳۹۵ آتش‌بس برقرار نماید، نشست‌های آستانه با مشارکت ترکیه شروع شد. در این میان دولت ترکیه تلاش کرد تا مانع فروپاشی کامل گروه‌های مسلح معارض سوریه شود. به‌عنوان مثال در جریان نشست‌های آستانه، ترکیه تضمین داد که بدون نیاز به درگیری نظامی، گروه‌های مسلح معارض در ادلب را خلع سلاح کرده و این استان را به دولت سوریه تسلیم می‌کند و برای این کار شش ماه زمان خواست اما در طول این مدت، دولت ترکیه امکانات نظامی و مالی بیشتری در اختیار تروریست‌ها قرار داد و با استمهال پی‌درپی، مانع بازگشت این منطقه به دولت سوریه شد. در طول این سال‌ها، ادلب عملاً به صورت یک استان تحت اداره ترکیه درآمد در حالی که پایگاه اصلی حضور تروریست‌ها بود.

بر اساس اسناد، دولت ترکیه از اواسط ۱۳۹۸ درصدد برآمد تا طی یک برنامه دقیق چندلایه، الگوی ادلب را به کل سوریه سرایت دهد. این برنامه چندلایه شامل موارد زیر بود:

۱ـ دولت ترکیه درصدد برآمد که از ادلب یک سوریه کوچک و مینیاتوری بسازد. بر این اساس گروه‌های مختلف شبه‌نظامی تروریست که تعداد آنان به ۱۵ گروه می‌رسید را تحت یک چتر قرار داده و مانع ادامه درگیری‌های داخلی میان آنان شود. این در حالی بود که گروه النصره که بزرگ‌ترین گروه شبه‌نظامی سوری بود، رسماً در لیست تروریسم سازمان ملل قرار داشت و باید برچیده می‌شد. سرویس اطلاعاتی ترکیه که اداره ادلب و در واقع اداره گروه‌های تروریستی را برعهده داشت، النصره را وادار کرد تا با نام جدید فعالیت کند. بر این اساس اکثر گروه‌های این «جبهه» ذیل نام جدید (تحریرالشام) قرار گرفتند و تحت فرماندهی یک قرارگاه مشترک درآمدند که بعدها به اتاق عملیات فتح‌المبین موسوم گردید.

سرویس اطلاعاتی ترکیه گروه جدید تحریرالشام را تحت آموزش‌های مختلف قرار داد. این آموزش‌ها شامل آموزش‌های نظامی، اطلاعاتی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، رسانه‌ای و فن‌آوری می‌شد و واضح بود که ترکیه از این آموزش‌ها برای شکل دادن به یک دولت استفاده می‌کند. کمااینکه اندکی بعد در ادلب دولتی شکل گرفت که ریاست ظاهری آن با جولانی و ریاست واقعی آن با میت ترکیه بود. نخست‌وزیر این دولت «محمد البشیر» بود که امروز به عنوان نخست‌وزیر سوریه معرفی شده است.

۲ـ همزمان با این روند در ادلب، دولت ترکیه از ضعف اقتصادی «سوریه در تحریم» استفاده کرد و کار روی ارتش سوریه و منفعل کردن آن را شروع نمود. ترکیه با فربه‌سازی مالی تروریست‌های تحریرالشام و برقرار کردن ارتباطات میان آن‌ها و سطوحی از ارتش سوریه، جداسازی ارتش از نظام را دنبال کرد. در این زمان یعنی در فاصله سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۳، اردوغان به فرماندهان و عناصر ارتش سوریه نشان داد که اگر از نظام جدا شوند می‌توانند به اندازه عناصر شبه‌نظامی تحریرالشام حقوق و مزایا دریافت کنند. در طول این سال‌ها حقوق و درآمد یک جوان عضو شاخه نظامی تحریرالشام حدود ۱۴ برابر حقوق یک ژنرال در ارتش بشاراسد بود! فاصله ۵۰ دلار تا ۷۰۰ دلار حقوق ماهانه برای ارتشی که از ۱۳ سال جنگ خسته است و افقی داخلی برای بهبود وضعیت ندارد، طبعاً وسوسه‌انگیز بود. در این میان اردوغان از بعضی از خطاهای دولت سوریه هم استفاده کرد و نفوذ خود در ارتش سوریه را وسعت داد. یکی از این خطاهای راهبردی سربازگیری از مخالفان دولت بود که این اواخر تعداد آنان از ۳۰ هزار نفر فراتر رفت. دولت بشار اسد با این گمان غلط که سربازگیری از مخالفان، آنان را نسبت به سوریه دلبسته کرده و به رفع اختلافات منجر می‌شود، این امکان طلایی برای تسلط بر بخش‌های مختلف ارتش را در اختیار دولت ترکیه و سرویس اطلاعاتی آن قرار داد. در واقع روز هفتم آذر ماه که عملیات تحریرالشام علیه حلب شروع شد و سپس به سرعت به استان‌های دیگر سوریه رسید، ارتش عملاً از سوی ترکیه و تحریرالشام تسخیر شده بود. کمااینکه از همان روز هفتم آذر ماه درگیری در ارتش میان وفاداران به دولت سوریه و عوامل داخلی سرویس امنیتی ترکیه یعنی همین سربازان و عناصر جذب‌شده ارتش در گرفت و آن را متلاشی کرد. این در حالی بود که دولت سوریه به دلیل بار مالی، به کاهش شدید «نیروهای دفاع وطنی سوریه» که نقش اساسی در آزادسازی سوریه از سیطره گروه‌های تروریستی تحت‌الحمایه داشتند، اقدام نمود و عدد آنان را از حدود ۱۲۰ هزار نفر به حدود ۱۲ هزار نفر رساند و از سیستم نظامی به بخش خدماتی منتقل نمود و عدد نیروهای سپاه تحت امر «سرلشکر سهیل حسن» که نقش اول در مهار گروه‌های تروریستی داشت و وجود آنان لرزه بر اندام گروه‌های تروریستی می‌انداخت از حدود ۳۰ هزار نفر به کمتر از ۵۰۰۰ نفر تقلیل داده بود. این یگان نیز در زمان حملات هفتم تا هجدهم آذر ماه دچار درگیری داخلی شد و عدد فعال آنان به حدود ۵۰۰ نفر! کاهش یافت. این اشتباهات که توجیه مالی داشت، عملاً به فرش قرمز پیش پای سرویس ترکیه و گروه تحریرالشام تبدیل شد تا کل سوریه را بدون درگیری و با سرعت به تصرف درآورند.

۳ـ دولت ترکیه در حالی که دولت سوریه را به رسمیت نمی‌شناخت و بر براندازی آن اصرار داشت و برنامه‌های مختلفی را برای تحقق آن تنظیم کرده بود، تلاش کرد تا در جامعه تحت محاصره اقتصادی رسوخ کند و چهره خود را از یک دولت متخاصم به دولتی که درصدد بهبود وضعیت اقتصادی مردم این کشور است، تغییر دهد. سوریه بدون صادرات کشاورزی و واردات کالاهای اساسی قادر به ادامه حیات نبود. وقتی بحران امنیتی در سوریه شروع شد، این کشور تحت تحریم شدید غرب قرار گرفت و مرزهای ترکیه و اردن روی آن بسته شد. کشورهای عراق و لبنان هم که با سوریه هم‌مرز بودند خود درگیر بحران شدید امنیتی یا اقتصادی بودند و عملاً قادر به حمایت مالی از دولت دمشق نبودند. این هم در حالی بود که طولانی شدن جنگ در سوریه هزینه‌های این کشور را به شدت افزایش داده بود و آمریکا، ترکیه و شبه‌نظامیان تروریست بر منابع اندک اقتصادی سوریه در شمال شرق این کشور تسلط پیدا کرده و دولت را از دستیابی به درآمدهای نفتی محروم کرده بودند. بدین‌صورت سوریه که در دهه اول حکومت بشار ـ ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۰ ـ بهترین دوران اقتصادی خود را در مقایسه با دهه‌های پیش از آن تجربه کرده بود، به فلاکت افتاد که ترکیه در این دو موضوع ـ یعنی افزایش هزینه‌های دولت سوریه و به صفر رساندن درآمدهای آن ـ نقش اساسی داشت.

در این میان آنکارا برای جداسازی مردم سوریه از دولت چهره جدیدی از خود به نمایش گذاشت. دولت ترکیه به‌صورت مدیریت شده و محدود در بازار اقتصادی سوریه رسوخ کرد تا نشان دهد تنها کشوری است که غم مردم را می‌خورد و در صدد کمک به آنان برآمده است. حتماً شما هم بارها شنیده‌اید که چطور ایران که روابط راهبردی با دولت سوریه دارد از ترکیه که هیچ رابطه‌ای با دولت این کشور ندارد و در حال جنگ با آن است، سهم کمتری در بازار سوریه دارد. پاسخ به این سؤال در آن زمان دشوار بود و چون واقعیت روشن نبود، گفته می‌شد این از خاصیت تجارت محور بودن ترکیه در مقایسه با ایران است که به دلیل اتکاء به نفت، واردات محور می‌باشد. در حالی که گسیل کردن کنترل شده کالاهای غذایی ترکیه به بازار سوریه با هدف انتفاع اقتصادی ترکیه صورت نمی‌گرفت. نشانه آن هم این بود که مواد غذایی ترکیه با قیمتی بسیار کمتر از قیمتی که این کالاها در کشورهای دیگر به فروش می‌رسید، در سوریه عرضه می‌شد و این از یک هدف مهم غیراقتصادی خبر می‌داد. هدف دولت ترکیه اثرگذاری بر جامعه سوریه، جداسازی آن از دولت و سفیدسازی چهره ترکیه نزد مردم سوریه بود که به دلیل سوابق در دوره عثمانی و پس از آن، دشمن خود می‌دانستند.

اما نقش ترکیه در سوریه در سال‌های پیش‌رو ضرورتاً تغییر می‌کند. ترکیه درصدد ایجاد یک دولت وابسته به خود در سوریه است و در عین حال به دلیل شکننده بودن اقتصاد آن، برداشتن بار دولتی که هم‌اینک به یک دهان باز تبدیل شده و به همه چیز احتیاج دارد، برای آنکارا به شدت دشوار است و بازگشت ذهنیت مردم سوریه از همسایه شمالی خود که اصرار دارد هم بخش‌هایی از سوریه را در اشغال داشته باشد و هم به عنوان قیم آن ایفای نقش کند، چندان دور نیست.

سعدالله زارعی

عراقچی در بدو ورود به پکن:

هدف از سفر به چین، هماهنگی بیشتر در مقابله با چالش‌ها است

وزیر امور خارجه با اشاره به اینکه در سال جدید میلادی، پرونده برنامه هسته‌ای و به تبع آن تلاش برای رفع تحریم با وضعیت جدیدی مواجه خواهد شد، گفت: در این زمینه نیاز به مشورت‌های بیشتر با چین وجود دارد.

سیدعباس عراقچی، در بدو ورود به پکن، پایتخت چین در جمع خبرنگاران درباره اهداف مورد پیگیری در این سفر گفت: هدف اصلی از این سفر رایزنی و مشورت‌های دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی است. ما در طول سال‌های گذشته همواره مشورت‌های نزدیک در همه موضوعات منطقه و بین‌المللی با چین داشتیم. در حال حاضر با شرایط حساسی روبه رو هستیم. هم در سطح منطقه‌ای و هم در سطح بین‌المللی التهاب و مسائل مختلفی در جریان است.

وزیر خارجه در ادامه با اشاره به اینکه در سال جدید میلادی، پرونده برنامه هسته‌ای و به تبع آن تلاش برای رفع تحریم با وضعیت جدیدی مواجه خواهد شد، گفت: در این زمینه نیاز به مشورت‌های بیشتر با چین وجود دارد. روابط دو جانبه دو کشور با هم خوب بوده و همچنان هم هست و طبیعی است که باید همفکری‌های خود را درباره موضوعات مختلف ادامه بدهیم.

به گزارش ایرنا، وزیر خارجه با تاکید بر اینکه این سفر در زمان مناسبی صورت می‌گیرد گفت: دعوت دوستان چینی ما هم برای همین بازه زمانی بود که در ابتدای سال جدید میلادی، مشورت‌های دوجانبه‌ای میان دو کشور صورت بگیرد و دو طرف برای رویارویی با چالش‌هایی که در سال جدید میلادی با آن روبه‌رو خواهیم شد، آماده باشند. طبیعی است که با چالش‌هایی در سطح منطقه، بین‌الملل و همچنین در حوزه شورای امنیت روبه رو باشیم و لازم است که هماهنگی‌های بیشتری میان دو کشور صورت بگیرد.

عراقچی در نشریه «پیپلز دیلی» چین: فصل جدیدی از همکاری راهبردی بین ایران و چین آغاز می‌شود

عراقچی، وزیر خارجه همزمان با سفر به پکن یادداشتی را در نشریه «پیپلز دیلی»، یکی از معتبرترین نشریه‌های چین، منتشر کرد، وی در این یادداشت اظهار داشت: مایه مباهات است که در آستانه عید بهاره چینی فرصت پیدا می‌کنم که برای رایزنی با دوست عزیزم جناب آقای «وانگ ایی» به پکن سفر کنم. شاعر کهن چین «یه یونگ» در توصیف عید بهاره چه زیبا سروده است «باد و یخبندان در آسمان و زمین از بین رفته و هوا در جهان هماهنگ است. سال‌های جدید به تقویم اضافه می‌شود و بهار، کوه‌ها و رودخانه‌های قدیمی را پر می‌کند». سفر من برای دیدار با دوستان قدیمی پس از ملاقات موفقیت‌آمیز رؤسای‌جمهور در قازان در حاشیه اولین حضور رسمی ج.ا. ایران به عنوان عضو اصلی بریکس در حالی صورت می‌پذیرد که در موقعیتی مهم و تاریخی در تحولات جهانی و منطقه‌ای، مسیر همکاری‌های عملگرایانه دو کشور با توافق سران فراخ‌تر از پیش شده است.

وزیر امورخارجه خاطرنشان کرد: از آخرین باری که در سال ۲۰۱۹ به پکن آمدم تقریبا ۵ سال می‌گذرد، آن زمان، برای شرکت در «نشست مشورتی مشترک در مورد برجام» به چین آدم و گفت‌وگوهای خوبی با دوستان چینی داشتم؛ مسئولانه تلاش کردیم تا طرف‌های مقابل را برای بازگشت به برجام و پایبندی به تعهدات ترغیب کنیم. ما با رویکردی مسئولانه و عملگرایانه نشان دادیم که موضوعات هسته‌ای، بخش جدایی‌ناپذیری از همکاری‌های راهبردی دو کشور است و آنچه یک توافق را ماندگار می‌کند، «مسئولانه رفتار کردن» و «پایبندی به تعهدات» است و با ایران به عنوان بازیگر مهم منطقه باید با احترام و به‌صورت برابر گفت‌وگو نمود.

رئیس دستگاه دیپلماسی افزود: موفقیت چین به عنوان «یک کشور در حال توسعه» روزنه‌های امید فراوانی را برای دیگر کشورهای در حال توسعه می‌گشاید که در سایه وفاق و همدلی و همکاری می‌توانند بر سخت‌ترین مشکلات فائق آیند؛ ساخت جامعه بشری با آینده مشترک به عنوان شعار اصولی رئیس‌جمهور «شی جین پینگ» روندی تاریخی برای جامعه جهانی با آینده مشترک به وجود آورده و اعتقاد دارم با ابتکار رئیس‌جمهور پزشکیان همخوانی و هماهنگی دارد. ابتکار وفاق و همگرایی رئیس‌جمهور؛ کوششی است برای پاسداشت میراث گذشتگان و پل زدن به آینده و همزمان شناسایی فرصت‌ها از دل تهدیدها برای روشن کردن مسیر همکاری‌های جدید؛ چرا که خردورزان ایرانی بر این باورند که «گذشته، چراغ راه آینده است»و «پشت هر تاریکی، نوری وجود دارد.»

وی تصریح کرد: دیرینگی، اصالت و همه‌جانبه بودن از مشخصه‌های بنیادین روابط کنونی ایران و چین است و مایه مباهات است که میراث نیم قرن اخیر این روابط در پرتو خرد رهبران، با دستاوردهایی شگرف و ارزشمند همراه بوده است. رؤسای جمهور دو کشور بر پایه «ارزش‌های مشترک» و «ارتباطات مردمی کهن» مبنایی درست و ستونی محکم برای روابط تعریف کردند و با تاکید بر اصول احترام متقابل، عدالت، برابری، عدم مداخله و همکاری برد-برد برای توسعه، الگویی از مشارکت جامع استراتژیک را پایه‌گذاری کردند. طرفین با تدوین برنامه جامع همکاری ۲۵ ساله همبستگی و اعتماد سیاسی متقابل را افزایش داده‌اند و همکاری‌های همه‌جانبه دو کشور در حوزه‌های مختلف را بر مبنائی محکم استوار کرده‌اند.

عراقچی در ادامه اظهار داشت: ایران و چین مدت‌هاست که همکاری‌های عملیاتی خود را برای ترویج چندجانبه‌گرایی و توسعه ارزش‌های بومی آغاز کرده و از منافع بنیادین یکدیگر در مجامع بین‌المللی دفاع کرده‌اند. هماهنگی‌های نزدیک سیاسی و دفاعی، تبادل هیئت‌های بلندپایه و حزبی، همکاری در ابتکار کمربند –راه، همکاری در اجرای «توافق سه جانبه پکن» به عنوان سرآغاز زنجیره آشتی در غرب آسیا، همکاری در سازمان همکاری شانگهای و بریکس برای ایفای نقش فعال‌تر در مجامع بین‌المللی؛ برگزاری گفت‌وگوهای نخبگانی و اندیشکده‌ای، همکاری‌های نزدیک فرهنگی و تبادلات موزه‌ای به ویژه نمایشگاه شکوه ایران باستان که هم اکنون در سومین ایستگاه خود بعد از پکن و شانگهای در سین کیانگ برپاست، نمونه‌های اخیر همکاری‌های عملگرایانه دو کشور است که هم‌سو با اجرائی کردن ابتکارات سه‌گانه رئیس‌جمهور شی بوده است و نقش مهمی در ترویج چندجانبه‌گرایی و تقویت همکاری‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی داشته است.

وزیر امورخارجه خاطرنشان کرد: ایران و چین نه تنها در سطح دوجانبه و منطقه‌ای، بلکه در سطح فرامنطقه‌ای و بین‌المللی نیز منافع و دغدغه‌های مشترکی دارند. هر دو کشور با اعتقاد راسخ به اهمیت چندجانبه‌گرایی و منافع حاصل از همکاری جمعی در راستای سعادت جامعه بشری، در سازوکارهای چندجانبه از جمله سازمان همکاری شانگهای و بریکس به همکاری نزدیک ادامه می‌دهند. تشریک مساعی با سایر اعضا و شرکا، با هدف رفاه، توسعه و امنیت و پاسخ به چالش‌های جدید جهانی از اولویت‌های ایران و چین است. اطمینان دارم چین با ریاست موفقیت‌آمیز خود در سال ۲۰۲۵ در سازمان همکاری شانگهای، فرصت‌های جدیدی را برای همکاری جمعی فراهم خواهد نمود.

وی افزود: دو کشور همچنان در کنار هم دو بال توسعه و امنیت را برای منطقه و جهان به پرواز درآورده و با اراده قوی ادامه خواهند داد.

بقیه در صفحه ۱۱

گفت و شنود

صدای وجدان!

گفت: «بن شائول» گزارشگر ویژه سازمان ملل رسماً اعلام کرده است که «آمریکا و آلمان ۹۹ درصد از تسلیحات اسرائیل را تامین می‌کنند».

گفتم: «ببین چقدر شوره که خان هم فهمیده»! کار به جایی رسیده که سازمان ملل هم چاره‌ای جز اعتراف ندارد!

گفت: این جماعت غربگرا و مدعی اصلاحات که نسخه مذاکره با آمریکا را می‌پیچند، از خون ۵۰ هزار زن و مرد و کودکی که رژیم صهیونیستی با تسلیحات اهدایی آمریکا و کشورهای غربی به شهادت رسانده است احساس شرمندگی نمی‌کنند؟!

گفتم: قاضی از متهم به قتل پرسید؛ وقتی او را می‌کُشتی، صدای وجدانت را نشنیدی؟ قاتل گفت؛ آقای قاضی! آنقدر داد می‌زد و سر و صدا می‌کرد که اجازه نمی‌داد هیچ صدایی به گوش آدم برسه!

انتقاد نماینده روسیه در وین از سیاست‌های آمریکا و اروپا در قبال برجام

نماینده دائم روسیه در شهر وین در مصاحبه‌ای از سیاست آمریکا و کشورهای اروپایی در قبال توافق هسته‌ای برجام انتقاد کرده و آن را نگران‌کننده خواند.

«میخائیل اولیانوف»، نماینده دائم روسیه برای سازمان‌های بین‌المللی در شهر وین در مصاحبه با خبرگزاری «ریانووستی» بیان داشت، سیاست ایالات متحده و شرکت‌کنندگان اروپایی در چارچوب توافق هسته‌ای برجام منجر به ایجاد تنش شده و عامل نگرانی است.

پیش از این «رافائل گروسی»، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ادعا کرده بود ظرفیت ایران برای غنی‌سازی اورانیوم با خلوص ۶۰ درصدی افزایش چشمگیر پیدا کرده است. او مدعی شد در حالی که ایران در ماه حدود پنج تا هفت کیلوگرم از چنین اورانیومی را تولید می‌کرده اکنون ظرفیت تولید اورانیوم ۶۰ درصدی خود را تا میزان چشمگیری افزایش داده است.

اولیانوف در مصاحبه با نووستی گفت: «صرف تولید چنین موادی ناقض وظایف ایران تحت ان.پی.تی و توافق پادمانی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیست. در عین حال این مهم است که تهران با سازوکارهای راستی‌آزمایی ارتقا یافته مضاعف آژانس در تاسیسات مربوطه موافقت کرده است. سیاست نسنجیده و کوته‌بینانه ایالات متحده و شرکت‌کنندگان اروپایی در توافق برجام که به طور مستمر دارد به دور دیگری از تشدید تنش منجر می‌شود و باعث نگرانی است.»

اولیانوف در ادامه این مصاحبه خاطرنشان کرد مذاکرات بین ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پیشرفت داشته اما تحرک این مذاکرات محدود بوده و با موانع مواجه شده است.

به گزارش ایسنا، اولیانوف افزود: «این اشتباه است که بگوییم هیچ پیشرفتی در مذاکرات بین ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی وجود نداشته هر چند که تحرک این مذاکرات محدود بوده و دائما به برخی موانع بر می‌خورد. یک مقطع مهم مربوط به سفر اخیر مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در اواسط نوامبر گذشته به ایران است که در جریان آن گروسی با رهبران ایران دیدار و از برخی تاسیسات هسته‌ای شامل تاسیسات خارج از چارچوب توافق ایران و آژانس بر سر اعمال پادمان‌ها بازدید کرد.»

به گفته این نماینده روسیه، این سفر امکان برقراری تماس با دولت جدید ایران و حصول توافقات کلی مهم که شامل عدم افزایش حجم اورانیوم غنی شده ۶۰ درصدی از سوی ایران بوده را فراهم کرد.

این دیپلمات ارشد روس خاطرنشان کرد: «با این حال کشورهای غربی به ویژه آمریکا، انگلیس، آلمان و فرانسه به جای پشتیبانی از این تفاهمات و ایجاد فضای مطلوب برای اجرای آنها مسیری مخرب را در پیش گرفته و یک قطعنامه ضدایرانی دیگر را در نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در ماه نوامبر به جریان انداختند. طبیعتا ایران در یک چنین شرایط سیاسی نه فقط توافقاتش با مدیرکل آژانس را اجرا نمی‌کند بلکه شروع به افزایش میزان تولید اورانیوم ۶۰ درصدی خود می‌کند.»

خبر ویژه

طلبکاری به جای شرمندگی بعد از دو دهه دروغ گفتن به مردم

نام این پدیده را باید آلزایمر گذاشت، یا وقاحت و سفارشی‌نویسی برای غرب؛ که روزنامه هم‌میهن با انکار همه عبرت‌های دو دهه مذاکره و اعتماد نافرجام به غرب می‌نویسد: «دوی ماراتن هم یک خط پایان دارد اما ماراتن هسته‌ای ایران انگار به آخر نمی‌رسد. این ما هستیم که به پایان تنش و توافق نیاز داریم. چون طرف مقابل تمام ارکان حکمرانی و زندگی ملتش به سیاست خارجی گره نخورده است»؟!

باورکردنی نیست اما عبارات فوق را روزنامه زنجیره‌ایی نوشته که هم طیفانش طی دهه گذشته از سر ندانم کاری یا مأموریت برای غرب، حل همه مشکلات کوچک و بزرگ و متنوع را به سیاست خارجی، آن هم در محدوده مذاکره با غرب و قبول دیکته‌های آن گره زدند و بدترین عملکرد اقتصادی و دیپلماتیک چند دهه اخیر را به بار آوردند.

روزنامه هم‌میهن در یادداشت خود می‌نویسد: «نگارنده، پشت نیمکت کلاس سوم یا چهارم ابتدائی می‌نشست که اخبار کشور حول برنامه هسته‌ای و قطعنامه‌های آژانس و مذاکرات و مانند آن می‌گشت. امروز که وارد دهه چهارم زندگی شده، باز هم اخبار حول همین مسائل می‌چرخد.

دوی ماراتن هم یک خط پایان دارد؛ اما ماراتن هسته‌ای ایران انگار به آخر نمی‌رسد. قبلا بحث هسته‌ای محور اصلی بود و صرفاً نگرانی‌هایی درباره مسائل منطقه وجود داشت. اما امروز با قصه جنگ اوکراین و تمام وقایع پس از هفت اکتبر، مسائل منطقه‌ای به صورت جدی مطرح است. ایران نیز دچار وضعیتی بسیار پیچیده در داخل و خارج از کشور است. با طیفی از ناترازی‌ها مواجه هستیم که گوشه‌ای از آن‌ها خود را در قطع متناوب برق نشان می‌دهد. در مورد مسئله برق، هنوز به طور مشخص نمی‌دانیم با ترک فعل از دولت چهاردهم روبه‌رو بوده‌ایم یا این نیز یکی از بسته‌های هدیه قرار گرفته در خورجین اسب زین شده است.

اقلیت تندرو در دوران رئیسی می‌خواستند به افکار عمومی بقبولانند که با همین دست‌فرمان می‌شود پیش رفت، از کلیدواژه «بدون برجام، بدون FATF» زیاد استفاده می‌کردند. اما هرچه زمان گذشت و به‌خصوص بعد از این که دولت تغییر کرد، مشخص شد این بازی با کلمات، ارتباطی با واقعیت ندارد. واقعیت تلخ است. ایران تحت تحریم‌های آمریکا قرار دارد و باید (به‌عنوان مثال) برای به دست آوردن یک کالای مهم به قیمت ۱ دلار، ۳ دلار هزینه کند. چون نمی‌تواند آنچه نیاز دارد را به‌طور مستقیم تهیه کند.

ایران همواره از سال ۱۳۹۲ و کنار گذاشتن سعید جلیلی از بحث مذاکرات، پنجره دیپلماسی را باز نگه داشته است. در حال حاضر نیز این روزنه همچنان باز است. اولین جلسه گفت‌وگو میان ایران و تروئیکای اروپایی در ژنو برگزار شد و منتظریم که تاریخ جلسه بعدی به زودی تعیین شود. در وضعیتی قرار گرفته‌ایم که مذاکره و گرفتن تصمیمات سخت، ناگزیر است. قدم بعدی مذاکره با اروپایی‌ها، باید مذاکره مستقیم با دولت ترامپ باشد چراکه چهار سال آینده را با آن‌ها طرف هستیم. اروپای تنها به کار ایران نمی‌آید و به گواه کارشناسان، برای کار با شرق هم به حل مشکلات خود با آمریکا نیاز داریم.

شاید باور این مسئله حتی از گرفتن این تصمیمات سخت‌تر باشد: این ما هستیم که به پایان تنش و توافق نیاز داریم. چون طرف مقابل تمام ارکان حکمرانی و زندگی ملتش به سیاست خارجی گره نخورده است».

شبه تحلیل روزنامه هم‌میهن از این جهت که اصرار می‌کند واقعیت‌ها و عبرت‌های دو دهه اعتماد یکطرفه به آمریکا و اروپا را نفهمد، رقت‌آور است. از وضعیت تحریم‌ها می‌نالد اما عمداً به یاد نمی‌آورد که دولتمردان دولت «برجام دیگر هیچ» می‌گفتند: «در روز اجرای برجام، همه تحریم‌های مالی و بانکی و اقتصادی یک‌جا لغو می‌شود»، ترامپ نمی‌تواند از توافق خارج شود و تحریم‌ها را برگرداند»، «امضای کری تضمین است»، «آقای کری قول داده برخی کوتاهی‌های توافق موقت را در برجام جبران کند»، «کاسبان تحریم آب و صابون از کجا بیاوریم تا صورت‌تان را بشویید، تحریم رفت و دیگر بر نمی‌گردد»!

همین حالا که ۹۵ درصد برنامه هسته‌ای را به تعطیلی کشاندند اما ضمناً تحریم‌ها دو برابر شد، بعد از از قبول دو توافق کلاهبردارانه اروپا و آمریکا به فاصله دو دهه در دولت‌های خاتمی و روحانی و آشکار شدن نتایج آن، باز هم با لودگی تمام می‌گویند چرا وقت‌کشی و فرصت‌سوزی می‌کنید و نمی‌گذارید تحریم‌ها با مذاکره و توافق برداشته شود؟!

حافظه‌شان یاری نمی‌کند که تروئیکای اروپایی چگونه برجام را زیر پا گذاشت و به مدت سه سال وعده راه‌اندازی اینستکس را داد (وعده فروش دارو و غذا به ایران در ازای نفت فروخته شده ایران به طرف ثالث) اما به همان وعده هیچ و پوچ هم عمل نکرد. یادشان نمی‌آید از اوباما تا ترامپ و بایدن هرکدام چگونه مورد توهین و تحقیرشان قرار دادند.

در موضوع ناترازی‌ها، روزنامه زنجیره‌ای اصلاً به یادش نمی‌آید که با برجام، هدف‌گذاری برای تولید برق هسته‌ای و بال توافق آب و هوائی پاریس، تولید برق توسط نیروگاه‌های فسیلی را به حاشیه راندند و ضمناً وزرای مربوطه پالایشگاه‌سازی را کثافت‌کاری و نیروگاه‌سازی را رفتن زیر بار مافیای نیروگاه‌سازی نامیدند؟ و باز هم خبر ندارند که دولت آقای پزشکیان باید برای ذخیره‌سازی سوخت زمستانی نیروگاه‌ها اقدام می‌کرد و نکرد!

اما در موضوع عملکرد دولت شهید رئیسی: احیای رشد اقتصادی منفی شده بدون برجام و FATF را باور نمی‌کنند؟ یا سه برابر شدن صادرات نفت و واردات ۱۵۰ میلیون دُز واکسن و واکسیناسیون کرونا را؟ احیای ۸ هزار واحد تعطیل یا کاهش چشمگیر قطع برق را؟ تسویه ۵۰۰ هزار میلیارد تومان اصل و سود اوراق فروخته شده در دولت روحانی از سوی دولت رئیسی را یا تسویه بدهی گندمکاران و احیای خودکفایی گندم را؟ از اجرای طرح همسان‌سازی برخی اقشار مثل فرهنگیان و بازنشستگان با ده‌ها هزار میلیارد تومان خبر ندارند؟ یا از اجرا و بهره‌برداری صدها پروژه ملی در زمینه آب و گاز و برق و پتروشیمی و راه و بهداشت و درمان بی‌خبر هستند؟!

دولت به جای دستاوردسازی فانتزی به اولویت‌های مردم بپردازد

دستگاه عریض و طویل رسانه‌ای حامیان دولت به جای ارائه دستاوردهای ملموس و اولویت‌دار برای مردم، در حال اقدامات نمایشی و دستاوردسازی است.

تبلیغ در راستای دستاوردسازی مجازی در دستور کار تیم عریض و طویل رسانه‌ای دولت قرار گرفته است. نگاهی به نوع ادبیات و بازار گرمی که اعضای اطلاع‌رسانی دولت در این خصوص انجام داده‌اند به وضوح این رپرتاژ نمایان است. البته اصلاح‌طلبان در این زمینه ید طولایی دارند از جمله در برجام و دستاوردسازی برای آن که عاقبت خود مسئولان دولتی وقت نتیجه آن را «تقریباً هیچ» نامیدند. هنوز افکارعمومی تصویرسازی از «محمدجواد ظریف» در قامت «آرش کمانگیر» و «امیرکبیر» را فراموش نکرده است.

به گزارش جهان‌نیوز، تنها در یک فقره «الیاس حضرتی» رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت، چنان حماسی و بزرگ درباره رفع فیلترینگ واتساپ و گوگل‌پلی نوشته است که کاربران در شبکه‌های اجتماعی به طنز گفته‌اند بعد از این سخنرانی حماسی، باید پیروزی را جشن گرفت و سرود «بر طبل شادانه بکوب» را پخش کرد!

حضرتی در این‌باره می‌نویسد: «گفتمان وفاق ملی تجلی دیگری یافت و گام اول تحقق وعده رفع فیلترینگ رئیس‌جمهور پزشکیان، با همکاری سران قوا و اکثریت اعضای شورای عالی فضای مجازی عملی شد. این مسیر برای ایران ادامه دارد.» این در حالی است که بر اساس نظرسنجی که توسط ایسپا در شهریورماه سال جاری از افراد بالاتر از ۱۸ سال اخذ شده، ۳۳درصد جامعه از این سرویس پیام‌رسان استفاده می‌کردند.

برای برخی از طرفداران دولت از جمله یکی از مجریان سابق تلویزیون نیز این موضوع چندان دستاوردی به حساب نمی‌آمده اما خود اعتراف می‌کند وقتی انتقادات را دیده و مشاهده کرده که جناح مخالف در این زمینه اعتراض کرده‌اند فلذا خبر رفع فیلتر واتساپ را مسرت‌بخش یافته و در فضای مجازی شادباش گفته است(!) گویی این موضوع تنها یک مسئله جناحی بوده و بهره مردم مهم نیست. البته رشیدپور پیش‌ترها در برابر انتقادات دیگر درباره بی‌دستاورد بودن دولت با واکنش کاملاً جناحی به یکی از منتقدان عنوان کرده بود: «دنبال دستاورد می‌گردی گل‌پسر